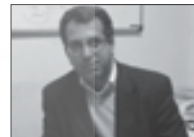


حق مؤلف در ایران

فرصت‌ها و چالش‌ها

حاضران



دکتر ستار زرکلام؛

عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد و دبیر نشست



حجت‌الاسلام دکتر سید حسن شبیری؛

عضو هیئت علمی دانشگاه قم و

مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران



دکتر سید حسن میرحسینی؛

قاضی دیوان عالی کشور و مدرس دانشگاه



حسین مهدیزاده؛

مدیرکل دفتر حقوقی و مالکیت فکری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اهمیت حق مؤلف امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست. یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه به حقوق مؤلف و تشویق و ترویج آن و همچنین وضع قوانین و مقررات مناسب برای حمایت از آن است. تنها با ارائه اختیارات معقول به صاحبان حقوق برای کنترل فرآیند بهره‌گیری از آثار و نیز فراهم‌آوری امکان کسب درآمد از طریق این آثار است که می‌توان انگیزه تولید و توزیع آثار فکری خلاقه را تقویت کرد. در کشورهای پیشرفته حقوق مؤلف مورد توجه خاصی است و قوانین و مقررات جامعی در چند دهه اخیر در این زمینه به تصویب رسیده که بیش از پیش از این حقوق حمایت می‌کند. در ایران نیز سابقه توجه به قوانین حق مؤلف به هشتاد سال پیش می‌رسد؛ این توجه در دو دهه گذشته، با توجه به انتشار آثار بسیار ارزشمندی که نیازمند حمایت در سطح بین‌المللی هستند، دو چندان شده است. در این شماره با حضور متخصصان و کارشناسان حوزه مالکیت ادبی و هنری، وضع قوانین حق مؤلف در ایران، نارسایی‌های قوانین ایران، ضرورت پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و دورنمای حق مؤلف در ایران مورد بررسی قرار گرفته، که در ادامه می‌خوانید.

دکتر زرکلام:
در سال ۱۳۷۹ با توجه
به رشد صنعت کامپیوتر
و بحث لزوم حمایت
از نرم‌افزارها، قانون
حمایت از پدیدآورندگان
نرم‌افزارهای رایانه‌ای
تصویب شد



دکتر زرکلام: قوانین کپی‌رایت یا حق مؤلف ایران نخستین بار در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسید که قانونی برای حمایت از «حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» بود، اما این قانون برای حمایت از آثار ترجمه و آثار صوتی کافی به نظر نمی‌رسید، در نتیجه در سال ۱۳۵۲ قانون دیگری در تکمیل قانون ۴۸ به نام قانون «ترجمه کتب، نشریات و آثار صوتی» تصویب شد که این قانون همان‌طور که در مواد آن آمده، هر جا که ضرورت دارد به قانون ۴۸ ارجاع داده است. البته خود این قانون به‌طور خاص قابل بررسی است و نسبت به قانون ۴۸، به خصوص از جنبه حمایت بین‌المللی از آثار ادبی و هنری، یک قدم به جلو محسوب می‌شود. در واقع می‌توان گفت از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۷۹ هیچ‌گونه تحول جدی قانون‌گذاری در امر حق مؤلف صورت نگرفت و در این مدت هم ایران به هیچ کنوانسیون تعهدآور بین‌المللی در زمینه حق مؤلف نپیوست. قوانینی که به‌طور مختصر به حمایت از حقوق مؤلفان و صاحبان آثار ادبی و هنری اشاره داشت، به‌طور پراکنده در برخی از قوانین مثل قوانین مطبوعاتی و سایر قوانین به چشم می‌خورد که اصلاً قابل توجه نیستند. در سال ۱۳۷۹ با توجه به رشد صنعت کامپیوتر و بحث لزوم حمایت از نرم‌افزارها، قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای تصویب شد که این قانون هم جای بحث دارد و استادان به ایرادات آن اشاره

خواهند کرد. در واقع می‌توان گفت کل قوانین مالکیت ادبی و هنری ایران و حق مؤلف را این سه قانون تشکیل می‌دهند که گرایش عمده قانون‌گذار در این سه قانون به سوی حق مؤلف است تا به سوی نظام کپی‌رایت منبعث از نظام کامن‌لا؛ به خصوص تکیه‌ای که در نظام حق مؤلف بر حقوق معنوی شده، نشان‌دهنده گرایش قانون‌گذار به سوی نظام حق مؤلف است تا نظام کپی‌رایت کامن‌لا. برای توضیح بیشتر عرض کنم که هر دو نظام به دنبال حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری هستند، اما هر کدام با شیوه‌ها و دیدگاه‌های مخصوص به خود؛ یعنی در حالی که مثلاً نظام حق مؤلف بیشتر جنبه انسانی دارد و حمایت از پدیدآورنده در آن منعطف است، در نظام کامن‌لا بیشتر حمایت از اثر مدنظر است و به‌عنوان یک محصول اقتصادی به آن نگاه می‌کند. در نظام کپی‌رایت کامن‌لا دیدگاه این است که اثر فکری هم باید مثل هر محصول مادی دیگر حمایت شود. اگر از دید شخصیتی و انسانی و با تأکید بر حقوق معنوی به قوانین ایران نگاه کنیم، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار گرایش خوبی را انتخاب کرده است، اما در قوانین سال ۴۸، ۵۲ و ۷۹، به‌رغم اینکه ما شاید نسبت به برخی از کشورها جلو باشیم، ایرادات بسیار جدی دیده می‌شود که آن را مورد بحث قرار خواهیم داد. از استادان محترم می‌خواهم دیدگاه‌های خود را درخصوص سیر

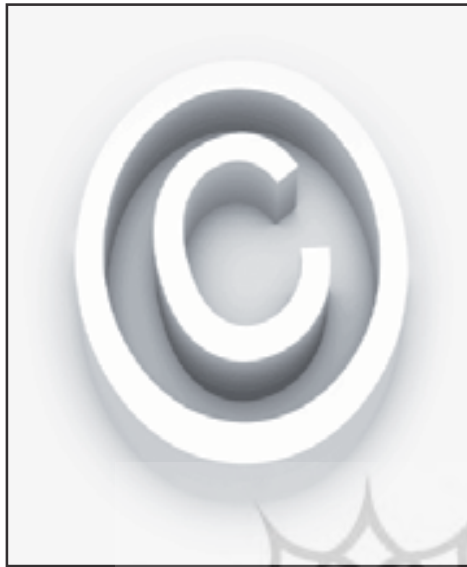
تحولات قوانین حق مؤلف در ایران بفرمایند.

و هنری، این آیین‌نامه تحت عنوان «آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» چهارم دی ۱۳۵۰ تصویب شد و چهاردهم اسفند ۱۳۷۹ این آیین‌نامه اصلاح گردید. همچنین در سال ۱۳۵۶ درباره ثبت آثار ادبی، آیین‌نامه دیگری با عنوان «آیین‌نامه نحوه ثبت انتشارات کتاب و رساله و سایر نشریات» دهم بهمن ۱۳۵۶ به تصویب رسید که براساس آن مدیران چاپخانه‌ها مکلف شدند دو نسخه از اثر چاپ‌شده خود را، قبل از انتشار عمومی برای ثبت به کتابخانه ملی تحویل دهند. با آنکه آیین‌نامه‌های اجرایی دیگری هم قرار بود طبق ماده ۳۳ قانون ۴۸ تصویب شود، اما غیر از این آیین‌نامه، تاکنون آیین‌نامه دیگری درباره قانون ۴۸ تصویب نشده است. درخصوص آیین‌نامه قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزار ۷۹ هم باید عرض کنم آیین‌نامه اجرایی مربوط به برخی از مواد با یک تأخیر مفرطی با عنوان «آیین‌نامه اجرایی مواد (۲) و (۱۷) قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» بیست‌ویکم تیر ۱۳۸۳ تصویب شد که در دوازدهم دی همان سال، ماده ۲۵ آن اصلاح شد. درخصوص الحاق ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری^۱، که قبلاً اشاره شد، قانونی با نام قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی وجود دارد که مصوب چهارم مهر ۱۳۸۰ می‌باشد. درباره تشکیل دادگاه‌های تخصصی مالکیت فکری هم آیین‌نامه‌ای در سال ۱۳۸۱ به تصویب رئیس قوه قضایی رسید که در بند «ب» ماده ۴ آن به تشکیل دادگاه‌های عمومی حقوقی در موضوع یادشده، اشاره شده است. همچنین ماده ۴۰ قانون امور گمرکی مصوب سی‌ام خرداد ۱۳۵۰ درباره ورود آثار ادبی و هنری به داخل کشور محدودیت‌هایی را مقرر کرده است. ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب دوم خرداد ۱۳۷۵ هم کیفرهایی نسبت به توزیع آثار ادبی و هنری خاص در نظر گرفته است. بیست‌وچهارم بهمن ۱۳۷۲ نیز قانونی کیفری درباره حقوق مرتبط با حق مؤلف (در موضوع تکثیر غیرمجاز آثار سمعی و بصری) با عنوان «قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند»، در پنج ماده به تصویب رسید که شانزدهم دی ۱۳۸۶ در ۱۳ ماده اصلاح شد. هم‌اکنون (زمستان ۸۷) نیز مجلس در حال بررسی و تصویب لایحه «قانون جرایم رایانه‌ای» است که پیش‌نویس آن مشتمل بر ۴۲ ماده است و مقررات ویژه‌ای

دکتر میرحسینی: علاوه بر مواردی که دکتر زرکلام متذکر شدند، قانونی در سال ۱۳۸۳ داریم با عنوان قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری به‌صورت غیرمجاز فعالیت می‌کنند، به‌ویژه ماده ۱ و ۲ آن می‌تواند برای حمایت از صاحبان اثر مهم باشد. همچنین قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ که از حق مؤلف و حقوق مرتبط در بستر مبادلات الکترونیکی حمایت می‌کند، که می‌توان از آن به‌عنوان تحول قانون‌گذاری در این حوزه نام برد. علاوه بر موارد فوق به دو موضوع دیگر نیز اشاره می‌کنم، یکی تصویب و الحاق به سازمان جهانی مالکیت معنوی است که از جهات مختلف - هم در مالکیت صنعتی و هم مالکیت ادبی و هنری - می‌تواند در قانون‌گذاری ما نقطه عطفی باشد. دیگر اینکه، موافقت‌نامه‌های دوجانبه مختلفی هستند که بعد از انقلاب اسلامی با کشورهای دیگر منعقد کرده‌ایم. در همه این موافقت‌نامه‌های دوجانبه حق مؤلف به‌صراحت مورد حمایت، تأیید و تأکید قرار گرفته است. در بحث مالکیت صنعتی شرط حمایت با توجه به اصل «سرزمینی» این است که حتماً به‌عنوان اختراع یا علائم تجاری در ایران به ثبت برسد و صرف موافقت‌نامه دو جانبه نمی‌تواند برای ما ایجاد تکلیف کند، ولی در بحث حقوق مالکیت ادبی و هنری چون نیاز به ثبت ندارد در موافقت‌نامه‌های دوجانبه که با بسیاری از کشورهای پیشرفته مثل آلمان (قبل از انقلاب) و سوئیس و سوئد (بعد از انقلاب) منعقد کرده‌ایم، مقرراتی آمده که از این جهت برای ما بسیار مهم و الزام‌آور است و می‌توانیم آنها را نیز در ابعاد بین‌المللی به‌عنوان تحول در قانون‌گذاری ذکر کنیم.

دکتر شبیری: علاوه بر مواردی که ذکر شد و بیشتر جنبه قانونی دارد، بد نیست به بحث‌های آیین‌نامه‌ای که تأثیر آنها در پاره‌ای از موارد کمتر از قانون نیست اشاره کنم، به‌ویژه در آیین‌نامه مربوط به حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار، که محتویات آن، کمتر از قانون نیستند. اولین مورد «آیین‌نامه مربوط به ماده ۲۱ قانون ۴۸ در موضوع ثبت آثار ادبی و هنری است که برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز کتابخانه ملی بسیار حیاتی است. گرچه قانون‌گذار در قانون سال ۴۸ ثبت را اختیاری اعلام کرده، اما بنا بر مصالحی از جمله بحث نظم‌دهی به ثبت آثار فکری در حوزه آثار ادبی

دکتر میرحسینی:
قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ که از حق مؤلف و حقوق مرتبط در بستر مبادلات الکترونیکی حمایت می‌کند، از آن به‌عنوان تحول قانون‌گذاری در این حوزه نام برد



مهدی زاده:
اولین قانونی که در
حمایت از آثار ادبی و
هنری در کشور تصویب
شد، در سال ۱۳۰۴ و
ضمن قانون مجازات
عمومی بود که در آنجا
چهار ماده قانونی به این
امر اختصاص یافت

حوزه قانون‌گذاری نکته‌ای مدنظر دارید، بفرمایید.

مهدی زاده: از نظر تقنینی آقایان مواردی را فرمودند و ما هم استفاده کردیم، ولی فکر می‌کنم اولین قانونی که در حمایت از آثار ادبی و هنری در کشور تصویب شد، در سال ۱۳۰۴ و ضمن قانون مجازات عمومی بود که در آنجا چهار ماده قانونی به این امر اختصاص یافت و بعد از آن ما قانون مستقلی نداشتیم تا اینکه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۴۸ تصویب شد. این قانون به نسبت آن زمان، قانون جامعی بود و مقررات ۱۳۰۴ را ضمن خودش فسخ صریح کرد. ماده ۲۱ قانون ۴۸، آیین‌نامه‌ای را برای ثبت آثار پیش‌بینی می‌کند که ثبت آثار طبق آن قانون، اختیاری است که حق هم بر همین است و کنوانسیون برن هم در سطح بین‌المللی ثبت آثار ادبی و هنری را اختیاری می‌داند. این آیین‌نامه اجرایی در سال ۵۰ تصویب شد و در سال ۷۹ اصلاح شد، که متعاقب آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوزهای قانونی را برای آثاری که در حوزه وظایف وزارتخانه بود، صادر می‌کرد، از جمله کتاب، تئاتر، موسیقی و سایر آثار ادبی و هنری. ولی اینکه مشخصاً ثبت شود و آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۲۱ اجرا شود، از سال جاری به‌همت دفتر حقوقی امور مالکیت معنوی و با دستور صریح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این مسئله در وزارتخانه اجرایی شده است. قانون دیگری هم که ذکر نشد، قانون سامان‌دهی مد و لباس مصوب سال ۸۵ است که ماده ۴ آن صراحت دارد بر اینکه مدهای لباس هم وفق قانون سال ۴۸، قابل حمایت

درباره داده‌های رایانه‌ای مطرح می‌کند. به‌علاوه بند ۳۵ از بخش «ج» (امور اقتصادی) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز مصوب دوازدهم آبان ۱۳۸۲، لزوم ایجاد فضای امن اقتصادی با تأکید بر دارایی‌های فکری و مادی را تصریح کرده است. درباره چگونگی حمایت از آثار سینمایی خارجی‌ها در داخل کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای را بیست‌وهفتم مهر ۱۳۸۴ با عنوان «سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی» تصویب کرد.

همچنین باید خاطر نشان کنم که قبل از سال ۱۳۴۸ در تاریخ نهم آذر ۱۳۳۷ قانونی در مجلس شورا تصویب شد که به موجب آن دولت ایران به «موافقت‌نامه تسهیل مبادلات بین‌المللی وسائل بصری و سمعی برای مقاصد تربیتی و علمی و فرهنگی» ملحق شد. نکته آخر درباره قانون حمایت از نرم‌افزار ۷۹ این است که این قانون در قوانین جهان جزء یکی از قوانین معدود و استثنایی است که به‌صورت مستقل قانونی تحت عنوان «حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزار» تصویب شده است. اینکه کشوری برای حمایت از نرم‌افزار قانون ویژه‌ای داشته باشد و اکثر مواد آن هم کپی از قانون عام حق مؤلف باشد، کار نوظهوری است که حتی هیچ‌کدام از کشورهای پیشرفته صنعتی که تولیدکننده نرم‌افزار هستند، به این روش عمل نکرده‌اند. به‌نظر من این شیوه وضع قانون، از خطاهای قانون‌گذار است که در ادامه درخصوص آن توضیح خواهیم داد. درواقع این قانون، مقرراتی را که در قانون ۴۸ وجود دارد، با آثار نرم‌افزاری منطبق کرده است. از خطراتی که متوجه آن است می‌توان به این نکته اشاره کرد که اگر قرار باشد هر تغییری در قانون ۴۸ انجام گیرد باید در قانون ۷۹ هم این کار صورت پذیرد و این سبک درست قانون‌گذاری نیست. این مثل این است که بگوییم چون در ایران صنعت فرش بسیار مهم است و از مزیت نسبی برخوردار است، لازم است قانونی مستقل درباره حمایت حقوقی از نقشه فرش ایرانی تصویب کنیم. در کشورهای دیگر تصویب قانون مستقل برای هر اثر فکری، سابقه ندارد، بلکه راه صحیح و منطقی این است که در قانون مادر و اصلی مربوط اصلاحاتی صورت گیرد و در موارد مقتضی یک اثر به آثار مندرج در آن اضافه می‌شود. به عبارت دیگر ما به قانون جامع حق مؤلف نیاز داریم تا همه مصادیق و آثار گذشته و جدید را تحت پوشش خودش قرار دهد.

دکتر زرکلام: آقای مهدی‌زاده اگر شما هم درباره تحولات

محصول که به موجب فرآیند صنعتی متبلور شده و موجب گیرایی و جذابیت در محصول نهایی می‌گردد». طراح یک طرح صنعتی هنگام پیاده‌سازی آن باید مجموعه‌ای از اصول و قواعدی را که به اصول طرح‌های صنعتی شهرت دارند، رعایت کند. به همین دلیل است که بعد از اتمام طرح می‌توان آن را روی یک کالا پیاده ساخت. از این رو به نظر می‌رسد که رابطه بین طرح ترسیمی و طرح صنعتی را براساس مطالب بالا باید عموم و خصوص من وجه و تنها وجه اشتراک آنها را در جنبه هنری و زیبایی‌شناختی آنها بدانیم.

طرح‌های ترسیمی در همه جا تحت نظام حق مؤلف قرار گرفته و حمایت می‌شوند، اما شیوه حمایت از طرح‌های صنعتی با توجه به سکوت کنوانسیون پاریس در خصوص نحوه حمایت از آنها، به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد. تعدادی از کشورها آنها را یک اثر هنری تلقی کرده و از طریق قانون حق مؤلف حمایت می‌کنند و برخی دیگر قانون خاصی را برای حمایت از طرح‌ها وضع کرده‌اند.

حال با توجه به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و مفاد ماده ۴ قانون سامان‌دهی مد و لباس و قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان این سؤال مطرح می‌شود که وضع حمایت از طرح‌های صنعتی در حال حاضر در کشور ما به چه شکل است؟ آیا از این پس طرح‌های صنعتی باید فقط طبق نظام خاصی که برای آنها منظور شده، حمایت گردند یا اینکه به دلیل ویژگی هنری که دارند همچنان می‌توانند از طریق قانون حمایت از مؤلفان مورد حمایت قرارگیرند؟ اگر جواب به این پرسش مثبت است، سؤال دیگری به ذهن متبادر می‌شود و آن اینکه آیا طراح می‌تواند به‌طور هم‌زمان از طریق دو نظام طرح خویش را مورد حمایت قرار دهد یا خیر؟ و انتخاب یکی، به از بین رفتن امکان حمایت از طریق دیگر منجر خواهد شد؟ موضع قانون‌گذار در این خصوص روشن نیست و بی‌شک موجب ایجاد سردرگمی دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان ثبت خواهد شد. درباره قانونی که درباره آثار سمعی و بصری مطرح شد، قانون جدید آن در سال ۱۳۸۶ ابلاغ شد و قانون قبلی را روزآمد و جرایم آن را به نسبت تشدید کرد.

دکتر زر کلام: درباره این مبحث تقریباً تمام مطالب گفته شد. موضوع دومی که مطرح است نارسایی‌های قوانین حق مؤلف ایران است که از استادان محترم می‌خواهم درباره



است. متن قانون به این شکل است «طرح‌ها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی و اسلامی مشمول حمایت قانونی حقوق مؤلفان و مصنفان و کانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی خواهد بود».

قبل از تصویب قانون اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در سال ۱۳۸۶، قانونی که به‌طور صریح به حمایت از طرح‌های صنعتی بپردازد در کشور وجود نداشت و قانون مصوب ۱۳۱۰ فقط از اختراعات و علائم حمایت می‌کرد. به‌رغم الحاق ایران به کنوانسیون پاریس در سال ۱۳۳۷ و الزامی که این کنوانسیون به حمایت از طرح‌های صنعتی دارد (ماده ۵ خامس)، تا سال ۱۳۸۶ قانون‌گذار به تصویب قانونی مبنی بر حمایت از طرح‌های صنعتی اقدام نکرده است. در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ نیز بندهای ۵، ۷ و ۹ ماده (۲) به طرح اشاره دارند که بی‌شک، نمی‌توان آنها را طرح صنعتی به معنای اخص آن دانست. همان‌گونه که مطلع هستید، طرح را می‌توان به دو دسته طرح‌های ترسیمی^۲ و طرح‌های کاربردی صنعتی^۳ تقسیم‌بندی کرد. طرح ترسیمی در واقع طرحی است که براساس احساسات یک هنرمند و به‌صورت فی‌البداهه به‌منظور رفع نیازهای عاطفی و شخصی او ترسیم می‌گردد و در پیاده‌کردن آن قاعده و اصلی رعایت نمی‌شود؛ در حالی که طرح صنعتی را می‌توان با توجه به اهدافی که دارد، یعنی رفع یکی از نیازهای جامعه و ایجاد پل ارتباطی میان مصرف‌کننده و تولیدکننده، اینگونه تعریف کرد: «آفرینش‌های بدیعی که در قالب خطوط، نقش‌ها، رنگ‌ها و اشکال سه‌بعدی در یک

طرح‌ها و الگوهای تولیدشده پارچه و لباس مبتنی بر نمادهای ایرانی و اسلامی مشمول حمایت قانونی حقوق مؤلفان و مصنفان و کانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی خواهد بود

نارسای‌هایی را که بر قوانین حق مؤلف سال‌های ۴۸، ۵۲، ۷۹ و قانون تجارت الکترونیک سال ۸۲ می‌توان وارد کرد، صحبت بفرمایید.

دکتر شبیری: شاید بهتر باشد قبل از پرداختن به نواقص، به این نکته اشاره کنم که در سال‌های ۸۳ و ۸۴ که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گروه مالکیت فکری حضور داشتیم، «طرح جامع نظام مالکیت ادبی و هنری» نوشته شد و به پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل و مقرر شد در شش محور کار انجام شود. به این محورها تا آنجا که یادم هست، اشاره می‌کنم. یکی از محورها، «محور اداری» بود که تشکیل سازمان مالکیت ادبی و هنری را پیش‌بینی می‌کرد و خیلی خوشحال هستم که هم اکنون این تشکیلات با عنوان «اداره کل دفتر حقوقی و مالکیت معنوی» فعال است؛ دوم «محور آموزشی» بود و طبیعی است که محل اجرای آن دانشگاه‌ها باشد، در سال ۸۳ طرح آن بعد از اینکه مورد تایید ریاست دانشگاه قم قرار گرفت، از طریق آن دانشگاه به وزارت علوم ارائه شد و با یکی دو سال فاصله این طرح به سرانجام رسید و رشته «کارشناسی ارشد مالکیت فکری» تصویب شد و سال ۸۸ سومین دوره‌ای خواهد بود که ما ورودی دانشجویان کارشناسی ارشد مالکیت فکری خواهیم داشت. محور سوم «تربیت کادر و نیروی انسانی» است که در این مرحله در حال تربیت برادران و خواهران کارشناس مالکیت فکری هستیم. از بعد «اطلاع‌رسانی»، سمیناری را در قم برگزار کردیم و این امر در آینده ادامه خواهد داشت. در بعد «اجرایی» یکی از مهم‌ترین کارهایی که باید انجام شود بحث تشکیل سازمان مدیریت جمعی^۴ است که در زمان حضورم در وزارت فرهنگ و ارشاد پی‌گیری‌هایی کردم و بعدها هم تأکید کردم که این از ضروریات نظام مالکیت ادبی و هنری است و در کشورهای مختلف سابقه‌اش به ۱۰۰ سال می‌رسد. این سازمان‌ها، سازمان‌های واسطی هستند بین پدیدآورنده اثر و استفاده‌کننده آن. در واقع کار تخصصی شده و پدیدآورنده باید فقط اثر فکری تولید کند و کاربر هم از آن استفاده کند و شخص یا سازمانی باید این دو را مدیریت کند و اگر نقضی در این فرآیند وجود داشت، این سازمان‌های مدیریت جمعی‌اند که باید آنها را پیدا کنند. اگر شخصی از اثر استفاده کرد، سازمان‌ها باید پول را از او گرفته و به پدیدآور بدهند و پدیدآورنده تنها به تولید فکر و اندیشه بپردازد و با بحث‌های

استفاده کاری نداشته باشد. این سازمان‌ها در کشورهای غربی مستقل هستند و به کمک‌های دولتی متکی نیستند و با درصدی (مثلاً ۲۵ درصد) از مقدار پولی که استفاده‌کننده برای پدیدآور پرداخت می‌کند، امرار معاش می‌کنند. سازمان‌های مدیریت جمعی در حوزه‌های مختلف مانند نرم‌افزار، کتاب و موسیقی کار می‌کنند. در آن زمان پیشنهاد کردیم که این کار در قالب پروژه پژوهشی بررسی و به مرحله اجرایی برسد. یکی از مهم‌ترین محورهایی که باید کار می‌شد، محور تقنینی یا همان قانون‌گذاری بود که بر این اساس در سال ۸۳ کاری را با حضور پنج تن از استادان دانشگاه‌های مختلف شروع کردیم. آقای دکتر میرحسینی در آن زمان معاون سازمان ثبت بودند و نقش بسیار مهمی در ارتقای بحث مالکیت فکری - هم در حوزه مالکیت صنعتی و هم ادبی و هنری - داشتند و از اعضای مؤثر و فعال این مجموعه بودند؛ علاوه بر ایشان دکتر صفایی از دانشگاه تهران، دکتر جعفرزاده و دکتر محقق داماد از دانشگاه شهید بهشتی و دکتر صادقی از دانشگاه تربیت مدرس حضور داشتند که به‌طور مستمر ما در وزارت ارشاد جلساتی داشتیم و تقریباً چهل جلسه تشکیل شد. البته اساس کار مبتنی بر پیش‌نویسی بود که سازمان جهانی مالکیت فکری پیشنهاد کرده بود و در سازمان ثبت ترجمه شده بود. به‌نظر من، اگر روی آن کار بیشتری صورت می‌گرفت و نهایی می‌شد می‌توانست یکی از بهترین لواجیحی باشد که در بحث تقنینی کار شده است. البته ملاحظاتی هم دارد که اگر رفع شود شاید بتوان آن را به‌عنوان قانون جامع مالکیت ادبی و هنری مطرح کرد. در لایحه مذکور سعی شده بود تا نواقص قوانین گذشته اصلاح شود و مطابق با آخرین تحولات حق مؤلف و حقوق مرتبط باشد.

ما نباید فقط به قانون نگاه کنیم، مهم‌تر از آن نظام است، ما باید نظام مالکیت ادبی و هنری و در سطح بالاتر مالکیت فکری را در کشور نهادینه کنیم. اگر شما گوشه‌ای از یک نظام را پیاده کنید فایده ندارد، مثلاً فرض کنید صرف داشتن قانون راهنمایی و رانندگی، بدون داشتن بقیه نظام‌ها اصلاً فایده‌ای ندارد و این گوشه‌ای از یک مجموعه نظام است. کاری که غربی‌ها می‌کنند این است که مجموع زیرنظام‌ها را می‌بینند که یکی از آنها، بحث تقنین و قانون‌گذاری است. یکی از بحث‌هایی که من فراموش کردم در بحث محورها اشاره کنم، محور قضایی بود که متأسفانه هیچ توفیقی در آن پیدا نکردیم، چون در این زمینه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تخصصی نداشتیم و فرصتی نبود که بتوانیم

دکتر شبیری:
پدیدآورنده باید فقط اثر فکری تولید کند و کاربر هم از آن استفاده کند و سازمان‌های مدیریت جمعی باید این دو را مدیریت کند و اگر نقضی در این فرآیند وجود داشت، آن را پیدا کنند



دکتر میرحسینی:
ضرورت
یکپارچه‌سازی
قوانین، این است که
در مجموعه قوانینی
که در حوزه مالکیت
ادبی و هنری در
بعد ملی وجود
دارد، خلأهایی دیده
می‌شود که باید حتماً
رفع شوند، خصوصاً
با توجه به نگاهی که
ما به آینده داریم

در قانون ۱۳۱۰ اختراعات و علائم تجاری یا در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۴۸ به حقوق مالکیت صنعتی یا ادبی و هنری داشتیم، با امروز متفاوت است. در آن زمان نگاه ما این بود که این حقوق یک حق خصوصی است و در نتیجه به جنبه‌های عمومی موضوع کمتر توجه کردیم. در مجموع ضرورت یکپارچه‌سازی قوانین، این است که در مجموعه قوانینی که در حوزه مالکیت ادبی و هنری در بعد ملی وجود دارد، خلأهایی دیده می‌شود که باید حتماً رفع شوند، خصوصاً با توجه به نگاهی که ما به آینده داریم.

در حال حاضر بحث الحاق به سازمان تجارت جهانی مطرح است، که اخیراً مطلع شدیم که گزارش رژیم تجاری را تصویب کردند و باید آن را ابلاغ کنند. وقتی که این گزارش ابلاغ شد و به سازمان تجارت جهانی رفت، حجم عظیمی از سؤالات متوجه کشور ما می‌شود که باید به آنها پاسخ داده شود و گاهی بیش از شش‌هزار سؤال در موضوعات مختلف، به‌ویژه در حوزه مالکیت معنوی مطرح می‌کنند. همه این موارد و نیازهای روز ایجاد می‌کند که ما این قوانین را یکپارچه سازیم و نیازهای روز را ببینیم. البته ما به هیچ‌وجه در این حوزه با نظام بین‌المللی هماهنگ نیستیم و آن هم دلایلی دارد که درباره آن بحث خواهیم کرد.

به‌طور خلاصه در مجموعه قوانین ما نواقصی دیده

اطلاعات لازم را کسب کنیم. البته قول‌هایی به ما دادند که وزارتخانه قصد دارد ارتباطی با قوه قضائیه داشته باشد اما عملی نشد. پیشنهادهایی نیز در خصوص داشتن چیزی شبیه پلیس ۱۱۰ یا دادگاه‌های تخصصی حق مؤلف ارائه کردیم، شبیه آن چیزی که در حال حاضر در بحث مالکیت صنعتی وجود دارد. به‌طور کلی تخصصی شدن آنها مدنظر ما بود ولی در آن زمان چنین چیزی وجود نداشت.

دکتر میرحسینی: درباره لایحه‌ای که آقای دکتر شبیری اشاره کردند، و سوابق آن و اینکه چرا به این فکر افتادیم که قوانین را نو کنیم، باید بگوییم که اولاً تحولات در این حوزه بسیار سریع است. به‌طور کلی در حوزه حقوق مالکیت معنوی، اعم از مالکیت صنعتی، ادبی و هنری، تحولات خیلی سریع است و قوانین ۴۸ و ۵۲ نمی‌تواند همگام با تحولات و مطابق با نیازهای روز باشد. تحولات به‌قدری سریع است که حتی کنوانسیون‌هایی مالکیت معنوی که پنج یا شش سال از عمر آنها نگذشته، مجدداً اصلاح می‌شوند، به‌خصوص رشد سریع ارتباطات و تحولاتی که در فناوری مربوط به این حوزه، طی سال‌های اخیر صورت گرفته است، این رشته از حقوق را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. بحث محیط دیجیتالی و چگونگی حمایت از آن نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. همچنین در حال حاضر رویکرد متفاوتی داریم و نگاهی که

می‌شود که اشاره می‌کنم؛ در حوزه آثار نوشته‌تبدیلی از قبیل اقتباس و تلخیص، مجموع قوانین ما نواقص زیادی دارد؛ درخصوص حمایت از آثار شفاهی در حقوق داخلی ما حمایت کافی وجود ندارد و باید تعیین تکلیف شود. شرط حمایت از اثر را این می‌دانیم که نخستین بار اثر در ایران چاپ، پخش، منتشر یا اجرا شود که این مسئله نظام داخلی ما را از نظام بین‌المللی دور می‌کند؛ درباره‌ی حمایت از موضوعات جدید مانند پایگاه داده‌ها در بستر مبادلات الکترونیکی در قانون ۸۲ تعیین تکلیف شده، ولی در سایر موارد ما حمایتی نداریم؛ درباره‌ی آثار جمعی قوانین ما صراحت کافی ندارد و قانون ۴۸ در این زمینه مقررات ناقصی دارد؛ درباره‌ی آثار بی‌نام یا با نام مستعار قانون ما ساکت است؛ درخصوص آثار ناشی از استخدام و قرارداد، در قانون ۷۹ ماده‌ای برای اولین بار آمده است ولی در این حوزه کماکان با مشکلات و ابهاماتی مواجه هستیم که باید مشخص شود؛ درباره‌ی ضمانت اجرای اجزای مدنی و کیفری، اقدامات موقتی و خصوصاً مرزی، مقررات کاملی نداریم. قوانین گمرکی در اجرا ناقص هستند و باید با استانداردهای بین‌المللی روزآمد شوند.

همچنین در بحث قضایی مشکل داریم و علی‌رغم اینکه در آیین‌نامه‌ی قانون احیای دادرسی پیش‌بینی شده که شعب خاصی برای دعاوی مالکیت معنوی اختصاص یابد، ولی قضاتی که در این حوزه تجربه‌ی کافی داشته و آموزش کافی دیده باشند حتی به‌تعداد انگشتان یک دست هم نیستند. با این مشکل نیز در حوزه مالکیت صنعتی به‌مراتب بیشتر مواجه هستیم و در آنجا هم پلیس یا ضابط دادگستری متخصص و مسلط به مقررات و استانداردهای بین‌المللی نداریم، درحالی‌که پلیس، گمرک و قضات بازوان اجرایی حقوق مالکیت معنوی هستند و از این حیث هم قوانین ما ناقص است. درباره‌ی حمایت از اجراکنندگان، همان‌طور که اطلاع دارید، تا مدتی حقوق اجراکنندگان و تولیدکنندگان صفحات صوتی و سازمان‌های پخش را حقوق جانبی و فرعی می‌دانستیم و برای آن اهمیتی قائل نبودیم. تمرکز کشورها بیشتر روی مالکیت حقوق ادبی و هنری بود، ولی از زمانی که موافقت‌نامه‌ی تریپس تصویب شد و از بعد اقتصادی به آن نگاه کردند از حقوق فرعی خارج شد و حقوق مرتبط نام گرفت و در حال حاضر ارزش اقتصادی آن کمتر از آثار ادبی و هنری به‌معنای خاص کلمه نیست. در بحث اجراکنندگان ما هیچ‌گونه حمایتی در مجموعه‌ی قوانین پیش‌بینی نکرده‌ایم، در صورتی‌که آنها، مخصوصاً سازمان‌های پخش و تولیدکنندگان صفحات صوتی، نقش

مهمی را ایفا می‌کنند، البته قانون ۵۲ تا حدودی بحث تولیدکنندگان صفحات صوتی را پوشش می‌دهد، ولی درباره‌ی اجراکنندگان اصلاً قوانین اساسی حمایتی وجود ندارد.

دکتر شبیری: منظور از سازمان‌های پخش، صدا و سیما هستند؟

دکتر میرحسینی: بله. در بحث مدیریت‌های جمعی که استادان به آن اشاره کردند، وجود آنها برای کشور ضروری است. سازمان‌های مدیریت جمعی نقش مهمی در ارتقای حقوق مالکیت ادبی و هنری دارند، زیرا برخی از صاحبان آثار نمی‌توانند حقوق خود را شخصاً اجرا کنند و حتماً باید سازمانی باشد که از آنها حمایت کند. این سازمان می‌تواند در ارتقای حقوق مالکیت ادبی و هنری و همچنین در تأمین حقوق صاحبان آثار نقش داشته باشد و این عدم تعادلی را که در روابط معامله‌ای بین صاحبان آثار و کاربران وجود دارد، برطرف کند. کاربران این آثار معمولاً سازمان‌های دولتی، سازمان‌های پخش و ناشران هستند که موقعیت بسیار بالاتری نسبت به صاحبان این آثار دارند، بنابراین اگر صنفی را که متشکل و مجموعه‌ای از این اعضا هستند، داشته باشیم، در تأمین حقوق صاحبان این آثار می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. بنابراین همانند کشورهای دیگر وجود چنین نهادی ضرورت دارد تا خلأ موجود در قوانین ما را برطرف کند. مهم‌تر اینکه قوانین ما در این حوزه کمی پراکنده است و ضرورت دارد که آنها را در یک مجموعه‌ی قوانین جامعی ببینیم و بتوانیم قانون جامع مالکیت ادبی و هنری را به اجرا درآوریم. برخی انتقاد می‌کنند که در کشور ما تغییراتی در قوانین حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد، مثلاً درباره‌ی قانون مجازات اسلامی که به‌یک‌باره تمام مواد آن را تغییر می‌دهند، حتی نحوه‌ی تدوین مواد نیز تغییر می‌کند. در آیین دادرسی کیفری یا در قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری هم این کار انجام شد، با اینکه قانون ۱۳۱۰ وجود داشت، قانون جدیدی نوشته شد.

ما در حوزه مالکیت ادبی و هنری سابقه‌ی قانون‌گذاری بیش از هشتادساله داریم و عمده‌ی قانون ما از سال ۴۸ است و همان‌طور که آقای مهدی‌زاده اشاره کردند، اولین قانون ما به قانون مجازات عمومی برمی‌گردد. بنابراین ما از آن زمان سابقه‌ی قانون‌گذاری داریم که با این تغییرات، کل سابقه‌ی قانون‌گذاری را نادیده گرفته و قانون جدیدی تهیه می‌کنیم، درواقع سوابقی را که می‌توانند در ارتقای قانون‌گذاری نقش داشته باشند،

دکتر شبیری:
در آیین‌نامه‌ی قانون احیای دادرسی پیش‌بینی شده که شعب خاصی برای دعاوی مالکیت معنوی اختصاص یابد، ولی قضاتی که در این حوزه تجربه‌ی کافی داشته و آموزش کافی دیده باشند حتی به‌تعداد انگشتان یک دست هم نیستند

دکتر شبیری:
متأسفانه بسیاری از قوانین ما ترجمه شده هستند، یعنی بدون اینکه ما در ابتدا برای خود مبنا درست کنیم و بعد قانون را شکل بدهیم، آن را ترجمه و اجرا می‌کنیم

نادیده گرفته و اصطلاحات و کلماتی را به کار می‌بریم که شاید از نظر صاحبان این آثار و حتی قضات نامأنوس باشد، زیرا موضوعات جدیدی هستند. به نظر من شاید دلیل این کار در حوزه مالکیت معنوی این است که تحولات در این حوزه آنقدر زیاد شده که شاید ما نمی‌توانیم با اصلاحیه ترکیب و ساختار قانون موجود، خلاً به وجود آمده را برطرف کنیم و نیاز به قانون جدید است. برای مثال درباره قانون ۷۹، که قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای است، برخی معتقد بودند که در قالب قانون ۴۸ هم می‌توان نرم‌افزارهای رایانه‌ای را حمایت کرد، زیرا در آن قانون اثر فنی آمده بود که شامل نرم‌افزارها می‌شود. اما این به‌تنهایی میسر نیست، بلکه باید آیین‌نامه را تغییر دهیم که نحوه ثبت و فرآیند آن تغییر می‌کند و اگر نرم‌افزار جنبه اختراعی داشت، باید در حوزه مالکیت صنعتی قرار گیرد. به هر حال با این نواقصی که در قوانین مالکیت ادبی و هنری ما وجود دارد در صورت اصلاح آن هیچ شکی نیست و با اصلاح چند ماده هم نمی‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت.

دکتر زرکلام: آقای میرحسینی تقریباً به همه نواقص اشاره کردند، البته قانون ۷۹ بحث جدایی دارد و همان‌طور که آقای شبیری گفتند، ایرادات اساسی بر آن وارد است. البته نسبت به دو قانون مورد بحث یعنی قوانین سال‌های ۴۸ و ۵۲ ایرادات دیگری هم وارد است که برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد در همین دو قانون موجود در کشور مدت حقوق مادی ۳۰ سال پیش‌بینی شده، در صورتی که در کشورهای خارجی در حال حاضر مدت حمایت در خصوص بسیاری از آثار ادبی و هنری هفتاد سال شده است. درباره انواع حقوق معنوی نواقصی وجود دارد که از جمله به فقدان حق افشا و حق عدول می‌توانم اشاره کنم. نقص در مستثنیات حقوق مادی است که ما برخی از مستثنیات مثل فکاهیات، رسانه‌های گروهی حوادث و اخبار روز را نداریم. از حیث مقررات کیفی نقص وجود دارد، مثلاً در حقوق آلمان شروع به جرم، قابل مجازات است، یعنی نقض حقوق مالکیت فکری، همچنین برای جرایم سازمان‌یافته مجازات شدیدتری قائل هستند که در قوانین مورد بحث اساساً مورد توجه قرار نگرفته است. قراردادهای حق مؤلف از حیث قواعد عمومی ناقص هستند که مؤلفان مشکلات زیادی در این باره دارند و هر روز تعدادی از مؤلفان مراجعه می‌کنند و از این شکایت دارند که ناشران حقوق آنها را نقض کردند، عمده این اختلافات به این دلیل

است که قوانین حق مؤلف ما اساساً درباره قراردادهای حق مؤلف و قواعد عمومی و اختصاصی حاکم بر آنها سکوت اختیار کرده است.

دکتر شبیری: یکی از نکات مهم، بحث بومی‌سازی قانون است، گرچه این قانون از قوانین وارداتی است و اصل آن در کشورهای غربی شکل گرفته است، منافاتی با این ندارد که آن را بومی کرده و متناسب با نظام حقوقی و فقهی خود طراحی مجدد کنیم. یکی از چیزهایی که خلاً آن نه‌تنها در قانون حق مؤلف بلکه در همه قوانین احساس می‌شود، این است که نگاه ما از معلول به علت است، در حالی که در بسیاری از نظام‌های غربی از علت به معلول است، یعنی آنها در ابتدا نظام را ترسیم می‌کنند، مبانی آن را مشخص می‌کنند، برای مثال اگر به جواز شبیه‌سازی انسان یا حیوان قائل باشیم چه مبانی‌ای وجود دارد. وقتی به شناخت مبانی دست پیدا کردند، براساس آن قانون خود را بنا می‌کنند. متأسفانه بسیاری از قوانین ما ترجمه شده هستند، یعنی بدون اینکه ما در ابتدا برای خود مبنا درست کنیم و بعد قانون را شکل بدهیم، آن را ترجمه و اجرا می‌کنیم که طبعاً نظام دچار مشکل می‌شود. نمونه آن را در بحث اصل حسن نیت داریم که البته ربطی به بحث ما ندارد، ولی در قانون تجارت الکترونیک که به آن اشاره شده است، اشاره می‌کنم. ما نهاد حسن نیت به صورت مشخص نداریم و این قانون ترجمه شده است. در آلمان و فرانسه به اصل حسن نیت به یک شکلی نگاه می‌شود و در آمریکایی هم به شکلی دیگر، اما انگلیسی‌ها اصلاً حسن نیت را قبول ندارند. این قوانین ترجمه شده، نظام حقوقی قبلی را که داشتیم به هم ریخته و تناقضی در آن ایجاد کرده که اصلاً قابل پذیرش نیست. این شیوه ترجمه کردن، شیوه درستی نیست. ما باید قانون را بومی کنیم و یکی از راه‌های بومی کردن این است که اول مبانی را بسازیم و براساس مبانی قانون را بومی کنیم، که این نکته حتی در قانون تجارت الکترونیک، یکی از نکات ضعف اساسی آن است و دقیقاً تا ماده ۱۵ و ۱۶ یک قانون خارجی (قانون نمونه آنسترال در موضوع تجارت الکترونیک مصوب ۱۹۹۶) را ترجمه کرده‌اند و قانون تجارت الکترونیک شده است. نکته دیگر بحث توجه به آثاری است که حمایت نمی‌شوند، که البته آقای زرکلام به این آثار اشاره‌ای کردند. مناسب است یک فصل درباره آثاری که حمایت نمی‌شوند، داشته باشیم. در مبحث حق مؤلف ما دو حوزه خصوصی و عمومی داریم

که به آنها اشاره نشد. در واقع قوانین کشورها این دو را با هم تعدیل می‌کنند؛ کشورهای در حال توسعه حوزه عمومی را توسعه می‌دهند و کشورهای توسعه‌یافته آن را کمتر می‌کنند، یعنی بر اساس مصالح کشور مدت حمایت ۳۰، ۵۰ و ۷۰ سال است. ما بر اساس حداکثر رزروهایی که کنوانسیون برن و تریپس در اختیار ما قرار داده‌اند باید عمل کنیم و نباید ذوق زده شده و برای اینکه خود را کشور پیشرفته نشان دهیم، تمام چیزهایی را که در کشورهای پیشرفته هست، اعمال کنیم. چراکه اگر ما مدت حمایت را ۷۰ سال یا مثل آمریکا بیش از ۷۰ سال و حتی در مواردی خاص ۱۲۰ سال داشته باشیم، در آینده وقتی به تریپس پیوستیم، باید از آثار خارجی‌ها هم حمایت کنیم، با توجه به اینکه از لحاظ تولید آثار فکری آنها بیشترین تولید را دارند، ما باید هزینه‌های گزافی را بپردازیم و موقعی که مدت حمایت افزایش یافت، باید به مدت طولانی از آثار خارجی حمایت کنیم و این شاید به مصالح کشور نباشد و در اصلاح قوانین به یکی از چیزهایی که باید توجه کنیم، مصالح کشور است.

مسئله مهم دیگر حمایت از فرش است. غربی‌ها حمایت از فرش را به‌عنوان آثار کاربردی در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند مدت حمایت آن را کم کنند، مثل آثار عکاسی که مدت حمایت آن ۲۵ سال است. رویه‌ای که درباره آثار کاربردی مثل فرش باید اتخاذ کنیم، این است با توجه به اینکه در این صنعت وضع نسبتاً مناسبی داریم، مدت حمایت را حداقل مثل آثار نوشته در نظر بگیریم و این نکته در اصلاحات بعدی قانون باید مورد توجه قرار گیرد. نکته بعدی حمایت از کل آثاری است که ما در آن وضع نسبی داریم یا لاقط تولیدکننده و صادرکننده آنها هستیم مثل صنایع دستی و انواع آثار هنری که هنگام اصلاح قانون باید به آن توجه شود. نکته دیگری که لازم است در اصلاح قانون ۴۸ به آن توجه شود، شفاف‌سازی مالکیت در آثار سینمایی است. در کارهای سینمایی عمده افراد دست‌اندرکار تولید یک فیلم هستند، از جمله کارگردان، فیلمنامه‌نویس و غیره، ما چه کسی را باید به‌عنوان پدیدآورنده در نظر بگیریم، آیا این یک اثر مشترک است یا یک اثر جمعی تلقی می‌شود. از طرفی پدیدآور چه کسی است، آیا همه هستند، قلمرو آن چه کسانی را شامل می‌شود. باید این محدوده کاملاً مشخص شود. حداقل پیش‌فرض‌هایی مشخص شود که ما این اشخاص را پیش‌فرض‌های مالک در آثار سینمایی در نظر بگیریم. از مصاحبه‌های بازیگران و عوامل تولید فیلم متوجه شدم که از

مشکلات آنها همین مسئله است که باید به آن توجه شود. آخرین نکته توجه به فناوری‌های نوین است، برای مثال توجه به کتابخانه‌های دیجیتال البته از بحث‌های بسیار جدید است و در بین کشورها فقط کشور آمریکا است که به آن پرداخته و در اصلاحیه ۲۰۰۳ به آن توجه کرده است. کتابخانه دیجیتال در کشور ما هم بسیار اهمیت دارد و از نظر عملی هم پیاده‌سازی شده و ما باید بر اساس تحولاتی که از لحاظ صنعتی در صنعت نرم‌افزار ایجاد شده، آن را در قانون خود منعکس کنیم.

مهدی زاده: درباره اینکه نظام جامع حقوق مالکیت معنوی از کجا آمده و مبنای تقویمی آن کجاست، باید بگویم که در ماده ۴۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این مسئله تصریح شده که دولت موظف است به‌منظور گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش‌بنیاد، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی و تعاونی، در این قلمرو اقداماتی به‌انجام رساند؛ در بند «الف» آن آمده «طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم» که در این زمینه تلاش‌هایی صورت گرفته و طبق لایحه‌ای که وزارت ارشاد پیشنهاد داده در کمیسیون فرهنگی دولت این بحث مطرح است. البته منتقدین نقایصی هم به این پیش‌نویس وارد کردند، از جمله اینکه چرا در آن پیش‌نویس ثبت را اجباری دیدند یا چرا وقتی بحث نظام جامع مطرح می‌شود حتماً باید به حقوق مرتبط پرداخته شود، در صورتی که در پیش‌نویس بحث حقوق مرتبط مسکوت است.

آخرین سؤالی که کمیسیون فرهنگی از وزارتخانه داشته این است که چه ضرورتی داشت ما از ابتدا قانون بنویسیم، آیا بهتر نبود که همان قانون ۱۳۴۸ را که قانون نسبتاً خوبی هم است، اصلاح و روزآمد کنیم. در واقع وقتی که مشخصاً بحث ثبت اختیاری را ثبت اجباری می‌کنیم، به عقب گام برمی‌داریم، به‌جای اینکه به جلو برداریم. برای همین ما معتقدیم که باید کار علمی خیلی خوبی روی این مسئله شود. در این راستا هم دفتر حقوقی و مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیشنهاد همایشی درباره بند «الف» ماده ۴۵ به پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات داده که پژوهشگاه هم پذیرفته و در سه ماهه اول سال بعد این همایش شکل می‌گیرد.

دکتر شبیری:

رویه‌ای که درباره آثار کاربردی مثل فرش باید اتخاذ کنیم، این است با توجه به اینکه در این صنعت وضع نسبتاً مناسبی داریم، مدت حمایت را حداقل مثل آثار نوشته در نظر بگیریم و این نکته در اصلاحات بعدی قانون باید مورد توجه قرار گیرد

دکتر میرحسینی:
ما نباید چشم‌بسته
کنوانسیون‌ها را
قبول کنیم، خصوصاً
کنوانسیون‌هایی که آثار
ما هوی دارند. مصالح و
منافع ملی ما بر همه چیز
ترجیح دارد

دکتر زرکلام: آقای مهدی‌زاده سؤال من به‌طور مشخص این است که تکلیف آن طرح جامع چیست، آیا دولت به آن پایبند است؟ طرحی که قبلاً تهیه شده بود، علی‌رغم نواقص جزئی که داشت، به نظر جامع‌تر و مناسب‌تر بود. در حال حاضر دیدگاه وزارت ارشاد نسبت به این دو لایحه‌ای که در مجلس مطرح شده چیست و کدام‌یک را مدنظر دارد؟

مهدی‌زاده: این طرح‌ها فقط در دولت مطرح است و هنوز در هیئت وزیران چیزی تصویب نشده که به مجلس پیشنهاد شود.

دکتر شبیری: آقای مهدی‌زاده طرح جامع را در خود پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات تهیه کردیم و آقای همایون هم کاملاً از سابقه و جزئیات کار مطلع هستند. اما اینکه به چه دلیل این طرح کنار گذاشته شد، برای همه اشخاص عضو گروه سابق، جای سؤال جدی است.

دکتر زرکلام: بنده فکر می‌کنم این لایحه با وجود نواقص^۵ که دارد، قدم بزرگی به طرف یکپارچه‌کردن نظام حمایتی از آثار ادبی و هنری در حقوق ایران است و باید مورد حمایت قرار گیرد.

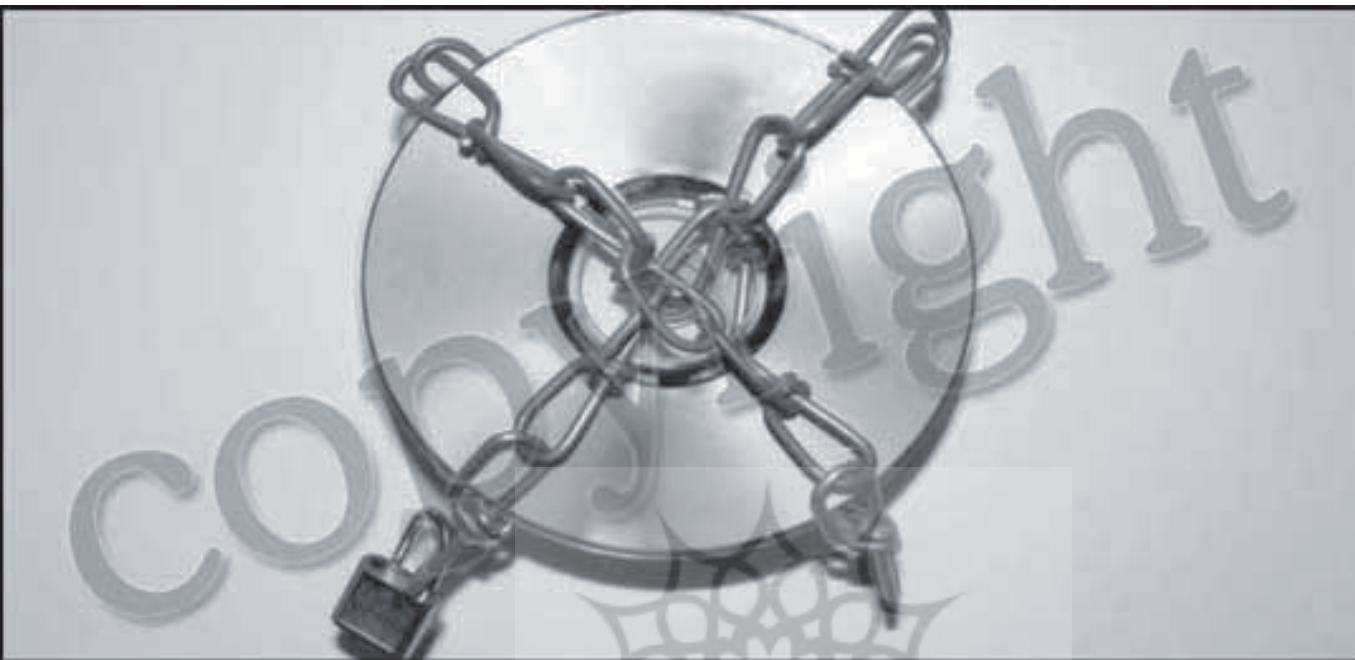
دکتر میرحسینی: بنده از اول تا آخر در مراحل تصویب قانون ثبت اختراعات بودم و همان‌طور که آقای شبیری درخصوص لایحه فرمودند، ما چهار سال روی این لایحه کار کردیم. روی لایحه جامع مالکیت ادبی و هنری هم چهار سال در سازمان ثبت با حضور دوازده حقوق‌دان - که ابتدا مشخصات آنها را به وایپو فرستادیم و آنها تأیید کردند - کار کردیم که حاصل آن لایحه جامع مالکیت ادبی و هنری بود و بعد از آن هم در پژوهشگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روی آن کار شد. حوزه تحولات بسیار سریع است، به‌طوری که همان لایحه‌ای که همان گروه تهیه کردند، اگر الآن بررسی شود، تغییرات بسیاری نیاز خواهد داشت. نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه الآن موقعیت کشور بسیار مناسب است، این نوع موقعیت درخصوص مالکیت ادبی و هنری در طول تاریخ سابقه نداشته است؛ شما بعد از سال ۴۸ روزنامه‌ها را ببینید که چه سروصدایی درخصوص حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌پا کردند، مقالات زیادی نوشته شد، تا سال ۸۰ که ما می‌خواستیم به سازمان جهانی مالکیت معنوی بپیوندیم، شما

مقالات را ببینید حتی نهادهای دولتی به مجلس و نهادهای مختلف نوشتند و گفتند که اگر این کنوانسیون تصویب شود، فرهنگ و اقتصاد مملکت آسیب خواهد دید، حتی یکی‌دو بار این لایحه الحاق در مجلس رد شد و جو بسیار سنگینی بر این حوزه حاکم بود. ولی در حال حاضر موقعیت بسیار مناسب است. الآن در کشور بستر آماده است و شورای نگهبان که مرجع تشخیص مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی است، موافقت‌نامه‌های دوجانبه متعددی تأیید کرده که در آنها به‌صراحت از حق مؤلف حمایت شده است. بنابراین به‌اعتقاد بنده از این فرصت باید استفاده کنیم و لایحه جامعی را با لحاظ منافع ملی ارائه شود. لایحه‌ای که دولت ارائه داده بود نه تنها نسبت به قوانین فعلی پیشرفتی نداشت، بلکه بر ابهامات آن اضافه کرده بود و کسانی که در این حوزه اطلاعاتی داشتند نسبت به این موضوع انتقاد داشتند.

دکتر زرکلام: آقای مهدی‌زاده اگر در این خصوص نظری دارید بفرمایید.

مهدی‌زاده: درباره ابهامی که کمیسیون فرهنگی دولت مطرح کرده بود، اینگونه پاسخ گفتم: «این وزارت از مواد ۴۵ و ۱۱۶ قانون چهارم توسعه تدوین قانون جدید را استنباط نموده و در جهت وظایف قانون مذکور نسبت به ارائه لایحه اقدام نموده، هرچند که امکان استنباط از مواد مذکور مبنی بر اصلاح قوانین موجود نیز بعید نیست». کار دیگری که انجام شده و طرح آن به‌صورت منسجم به شعبه سیاست‌گذاری اعمال حقوق معنوی که در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود، ارائه شده، راهبردهای مالکیت فکری در حوزه آثار ادبی و هنری است که ما فرصت‌ها و تهدیدها و همچنین قوت‌ها و ضعف‌های این موضوع را کاملاً بشناسیم و با این نظام راهبردی که آقای توکلی، معاون حقوقی پارلمانی وزارت ارشاد، طراحی کردند و ان‌شاءالله شورای سیاست‌گذاری هم آن را تصویب کند، تا با این راهبرد، بتوانیم نقطه هدف را مشخص کنیم و در این مسیر حرکت کنیم.

دکتر زرکلام: مسئله دیگری که درباره حقوق مؤلف مطرح است، پیوستن به کنوانسیون‌های مرتبط است، با توجه به وضع فعلی جامعه ایران، آیا ضرورت دارد که ما به کنوانسیون‌های مرتبط با حق مؤلف، سازمان جهانی مالکیت معنوی و تریپس و به‌تبع آن کنوانسیون برن بپیوندیم.



برای ما تعهدات ایجاد می‌کنند، پس در این صورت قوانین خود را روزآمد می‌کنیم و هر وقت که عضو سازمان تجارت جهانی شدیم، به صورت خودکار حقوق و تعهدات این قوانین شامل ما می‌شود. راه دیگر این است که به این کنوانسیون‌ها ملحق شویم، راه سومی وجود ندارد و موافقتنامه تریپس هیچ فرصت و حق رزروی برای ما قائل نیست. در گزارش یک کار تحقیقاتی که در وزارت بازرگانی درباره آثار الحاق در حوزه مالکیت ادبی و هنری انجام شده، مطالعه کردم که با الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این حوزه با حذف بارانه، برای مثال حدود ۷ تا ۹ درصد قیمت کتاب افزایش می‌یابد.

به نظر من با توجه به این ظرفیت‌هایی که در کشور داریم، می‌توانیم به ترتیب اولویت به این کنوانسیون‌ها ملحق شده و هر چه زودتر در این حوزه‌ها فعال شویم. ما نباید چشم‌پسته کنوانسیون‌ها را قبول کنیم، خصوصاً کنوانسیون‌هایی که آثار ماهوی دارند. مصالح و منافع ملی ما بر همه چیز ترجیح دارد. ما می‌توانیم با توجه به انعطاف‌هایی که در این کنوانسیون‌ها و همچنین موافقتنامه تریپس وجود دارد، قوانین ملی خود را طوری تدوین کنیم که کمترین آسیب را به کشور برساند. به‌طور کلی نباید از الحاق ترس داشته باشیم، در حالی که برای کشورهای در حال توسعه امتیازاتی را پیش‌بینی کرده‌اند. ما در حال حاضر تعداد زیادی موافقت‌نامه دوجانبه داریم که این موافقت‌نامه‌ها هم همان آثار را دارند و فقط ما از امتیازات

دکتر میرحسینی: تفاوتی که بین کنوانسیون‌های مالکیت ادبی و هنری با مالکیت صنعتی وجود دارد و آن اینکه چون ثبت در حوزه مالکیت ادبی و هنری، برخلاف مالکیت صنعتی، اجباری نیست، کنوانسیون‌های مربوط به طبقه‌بندی و کنوانسیون‌هایی که ثبت بین‌المللی را تسهیل می‌کنند، در این حوزه نداریم بلکه در این حوزه همه کنوانسیون‌ها ماهوی هستند و در کنار حقوق تعهدات و تکالیفی هم برای ما دارد. من الحاق یا عدم الحاق را اینگونه توضیح می‌دهم که چشم‌انداز ما در این حوزه چیست؟ وقتی که نظام جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۹۵ تصمیم می‌گیرد که به سازمان تجارت جهانی ملحق شود، این آینده‌ای را برای ما ترسیم می‌کند که لازمه آن این است که قوانین خود را حداقل با استانداردهایی که در موافقت‌نامه تریپس آمده مطابقت دهیم. بنابراین ما دو کار می‌توانیم انجام دهیم، یا اینکه به هیچ‌یک از این کنوانسیون‌ها ملحق نشده و صبر کنیم تا به سازمان تجارت جهانی ملحق شویم و تنها کاری که انجام می‌دهیم مطابقت قوانین خود با تریپس است. اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم در تریپس مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن برای ما لازم‌الاجراست، ماده ۱ تا ۶، ۱۰ تا ۱۵، و ۱۹ کنوانسیون رم هم برای ما لازم‌الاجراست، یعنی درست آن موادی که ماهوی و تعهدآور هستند. بنابراین یک راه این است که بگوییم ما از این عناوین می‌ترسیم و این مواد

دکتر شبیری:
ما در نهایت مجبور به الحاق در کنوانسیون‌های بین‌المللی هستیم ولی نظر من این است که باید تشکلهایی را داشته باشیم که به‌نحوی با تشکلهای دیگر کشورها که فعال هستند برای حمایت از آثار خودمان در خارج از کشور مرتبط شوند

آنها بهره‌مند نیستیم. من گزارشی درباره کشور تایوان مطالعه کردم که وقتی قانون حق مؤلف را اجرا کردند، آثار ادبی و هنری آنها افزایش قابل‌ملاحظه‌ای پیدا کرد. من اشکالی نمی‌بینم که اولویت‌بندی کنیم و به ترتیب و با توجه به منافع ملی کشور به این کنوانسیون‌ها ملحق شویم. البته همان‌طور که گفتم راه دیگری هم وجود دارد و آن هم این است که مواد اساسی این کنوانسیون‌ها را همان‌طور که در تریپس آمده در قوانین ملی خود بیاوریم و در واقع در این حالت، عملاً مفاد کنوانسیون‌ها را پذیرفته‌ایم، بدون اینکه در منافع آن سهمی داشته باشیم و در اصلاحات و سیاست‌گذاری‌های آتی آنها نقشی ایفا کرده باشیم.

دکتر شبیری: من چند نکته درباره همین موضوع یادداشت کردم که بیان می‌کنم. نکته اول اینکه مناسب است که ما تجارب کشورهایی را که زمانی عضو نبوده و بعداً عضو شدند، جمع‌آوری کنیم و قبل از اینکه ملحق شویم، این تجارب را کارشناسی و بررسی کنیم و گروه‌هایی را اعزام کنیم تا وضع کشوری مثل هند را که به‌عنوان یکی از کشورهای بسیار موفق در بحث حق مؤلف به‌شمار می‌آید، بررسی کنند. حتی از پروژه‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در این زمینه حمایت شود. همچنین پژوهشگران با تحقیقات میدانی تأثیرات مثبت و منفی الحاق به برن یا کنوانسیون دیگر را مشخص کنند. دومین نکته درباره مطالعات عوامل اقتصادی الحاق است که از ضروریات کار ماست. زمانی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودم، چند نمونه تحلیل‌های اقتصادی را دیدم که گرچه برای شروع کار مناسب بودند، متأسفانه قوی نبودند. تصمیم‌گیری درخصوص الحاق یا عدم الحاق به یک نظام بین‌المللی تعهدآور، براساس یک تحلیل ضعیف بسیار خطرناک است. باید در یک سطح بسیار قوی تحلیل‌های اقتصادی و آماری در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه نرم‌افزار، انجام بگیرد چون ما در حوزه نرم‌افزار یک مزیت نسبی داریم و می‌توانیم با کشورهای دیگر رقابت داشته باشیم.

دکتر زرکلام: اگر آثار اقتصادی ناگواری نداشته باشیم یا به حقوق مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری ضرری نرسد، چه باید کرد، دیدگاه شما در این باره چیست؟ آیا منتظر باشیم تا به سازمان تجارت جهانی بپیوندیم و به‌تبع آن ماده تریپس را بپذیریم یا از الآن برای الحاق به آن آماده باشیم.

دکتر شبیری: به‌نظر من اگر مطالعات اقتصادی به‌طور مستند و کارشناسانه انجام شود، به‌راحتی می‌توانیم درخصوص الحاق یا عدم الحاق تصمیم بگیریم. لازم است به این نکته اشاره کنم که یکی از آفاتی که با تأخیر انداختن الحاق متوجه کشور می‌شود این است که ما در مجامع بین‌المللی فعال نباشیم و فعال‌نبودن ما ضرر بسیار زیادی متوجه کشور می‌کند. در بحث‌ها عمدتاً نگاه ما به کنوانسیون‌های گذشته است، در حالی که اگر در آینده کنوانسیون جدیدی در حوزه مالکیت ادبی و هنری تصویب شود ما باید نمایندگان فعال و حضوری فعال و چشمگیری در آنجا داشته باشیم و براساس مصالح کشور خود عمل کنیم. یکی از این حوزه‌ها، فولکلور است که برای کشور ما بحث بسیار مهمی تلقی می‌شود. من معتقدم که ما باید حضور فعالی در این مجامع داشته باشیم، چراکه می‌توانیم با کشورهایی که وضعی مشابه کشور ما دارند، گرد هم آمده و بلوکی را تشکیل دهیم و از منافع خود دفاع کنیم. این مسئله در عمل و در بحث پست تریپس اثبات شده که اگر کشورهای درحال توسعه متحد شوند و بلایی که در بحث تریپس، بر سر کشورهای درحال توسعه آمد در کنوانسیون‌های بعدی ایجاد نشود. درباره موافقت‌نامه تریپس کشورهای توسعه‌یافته، بسیار به ما اجحاف کردند و مقررات سخت‌گیرانه‌تری را در مقایسه با کنوانسیون برن وضع کردند. ما باید کاری بکنیم که در آینده به اینجا نرسیم که چیزی شبیه تریپس ایجاد شود و در نهایت مجبور به پذیرش آن شویم. آخرین نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که باید در پیوستن یا نپیوستن به این کنوانسیون‌ها صلاح مملکت خویش را در نظر بگیریم. ما در نهایت مجبور به الحاق هستیم ولی نظر من این است که باید تشکلهایی را داشته باشیم که به‌نحوی با تشکلهای دیگر کشورها که فعال هستند برای حمایت از آثار خودمان در خارج از کشور مرتبط شوند. ما مخاطب کم نداریم مثلاً در خود آمریکا سه میلیون نفر مخاطب آثار ایرانی داریم و واقعاً اگر هم در حوزه نرم‌افزار و هم کتاب و فیلم سرمایه‌گذاری کنیم، می‌توانیم خیلی موفق باشیم و بازار بسیار خوبی پیدا خواهیم کرد. به‌نظرم ما در کمیسیون الحاق یکی از کارهایی که باید انجام دهیم کار روی این تشکلهای برای فعالیتهای برون‌مرزی است تا از آثار ما در خارج از کشور حمایت شود.

مهدی‌زاده: من فقط می‌خواهم به ضرورت پرداختن به ماده اول کنوانسیون برن اشاره کنم، چون عضویت ناظر ایران

در سازمان تجارت جهانی^۷ تصویب شده است و اخیراً مجلس شورای اسلامی بودجه این عضویت را هم تصویب کرد و کاملاً آن را به رسمیت شناخت و رژیم تجاری در آستانه ابلاغ است که اگر این ابلاغ صورت بگیرد ما باید کاملاً این ۲۱ ماده اول برن را جدی بگیریم و زمینه‌های اجرای آن را فراهم کنیم و می‌توان گفت همانند یک جاده یک‌طرفه است و اگر این الحاق صورت گرفت ما در این مسیر قرار خواهیم گرفت و باید آنها را اجرا کنیم و چه بهتر که با آمادگی و کارشناسی ابعاد اقتصادی مصلحت واقعی کشور این مباحث را پیشاپیش داشته باشیم.

دکتر میرحسینی: راه‌هایی وجود دارد که ما آثار الحاق را کاهش دهیم. براساس تحقیقی در سال ۱۳۸۲ در حوزه کتاب ده میلیارد تومان بارانه پرداخت شده، در حوزه فیلم هم تقریباً همین مقدار بود. تعبیر این یارانه‌ها از تولیدکننده به مصرف‌کننده می‌تواند تا حدودی این آثار را کاهش دهد. از طرف دیگر اگر این یارانه‌ها را به سوی مصرف‌کننده و آثار ادبی که واقعاً نفیس هستند و می‌توانند در خارج از کشور مورد استفاده قرار گیرند، هدایت کنیم، باعث می‌شود که درصد آثار ما رشد پیدا کند. به هر حال راه‌حلی وجود دارد که اگر تحقیقات کارشناسی شود می‌توان آثار آن را کاهش داد. همچنین با توجه به انعطاف‌هایی که در کنوانسیون‌ها وجود دارد از قبیل استثنائات و معافیت‌ها، می‌توان آثار منفی الحاق را کاهش داد.

دکتر شبیری: به نظر من در برخی از حوزه‌ها مانند بازی‌های رایانه‌ای با توجه به مصالح فرهنگی، باید آثار خارجی‌ها مورد حمایت واقع شوند. این مسئله شاید در نگاه اول تعجب‌انگیز باشد. یکی از مشکلات ما در حوزه تولید بازی‌های داخلی رایانه‌ای این است که بازی‌های خارجی حمایت نمی‌شوند و بسیار ارزان‌تر از محصولات مشابه داخلی در دسترس قرار می‌گیرند؛ در نتیجه شخصی هم که در داخل کشور بازی‌های رایانه‌ای تولید می‌کند، با توجه به نیاز بالای سرمایه‌گذاری در تولید بازی‌های رایانه‌ای، اگر قیمت اثر را مثلاً ده هزار تومان تعیین و به بازار عرضه می‌کند، نسبت به آثار خارجی که بسیار ارزان‌تر مثلاً ۵۰۰ تومان هستند، بسیار گران خواهد بود. این سبب می‌شود ما بازاری برای محصولات داخلی نداشته باشیم و این تأثیر فرهنگی بدی برای خانواده‌ها دارد، چراکه در بازی‌های خارجی که بیشتر

اوقات فراغت بسیاری از فرزندان را پرمی‌کند، همواره خشونت دیده می‌شود. ما در این باره باید هرچه سریع‌تر قانونی را برای حمایت از آثار خارجی تصویب کنیم، درواقع این حمایت از آثار داخلی است.

دکتر زرکلام: در جمع‌بندی نشست می‌توان گفت، قوانین مالکیت فکری ما در زمینه آثار ادبی و هنری نقایصی دارد و نیاز به قانون جامعی که بتواند تمام این مقررات را اعم از آثار ادبی و هنری و نرم‌افزاری در یک جا گرد هم بیاورد و تحت نظام حقوقی واحدی مورد حمایت قرار دهد احساس می‌شود. این مبحثی بود که جلسه تقریباً روی آن اتفاق نظر داشت. نکته دیگر در خصوص ضرورت پیوستن به کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق آثار ادبی و هنری بود که جمع بر این نکته موافق بود که در نهایت ما به این سو پیش خواهیم رفت و باید برویم که به کاروان جهانی آثار ادبی و هنری بپیوندیم، البته با حفظ حقوق و منافع ملی کشور و حفظ ویژگی‌های مذهبی و فرهنگی خود و باید این زمینه را از الان آماده کنیم. همچنین باید آثار اقتصادی پیوستن ایران به این کنوانسیون‌ها را مطالعه کنیم و ببینیم چه اثری خواهد داشت و سعی کنیم این آثار را کنترل و مدیریت کنیم و در نهایت از نظر مقررات و تدوین قوانین خود را آماده کنیم که اگر روزی به سازمان تجارت جهانی پیوستیم و به تبع آن مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن، در مقابل کار انجام‌شده قرار نگیریم و بتوانیم سیر تحولات آینده را هم پیش‌بینی کنیم. همچنین نهادهای مردمی مرتبط با حقوق مالکیت ادبی و هنری را در سطح بین‌المللی باید فعال کنیم و به آنها اجازه رشد بدهیم تا از آثاری که ایرانیان تولید می‌کنند، حمایت کنند.

پی‌نوشت:

1. WIPO
2. drawing
3. design
4. Collective Management Organization (CMO)
۵. این نواقص در یکی از شماره‌های مجله حقوقی دادگستری، به‌قلم دکتر زرکلام به‌صورت اجمالی اشاره شده است.
6. Post TRIPS
7. WTO

دکتر زرکلام:
قوانین مالکیت فکری ما
در زمینه آثار ادبی و
هنری نقایصی دارد و
نیاز به قانون جامعی که
بتواند تمام این مقررات
را اعم از آثار ادبی و
هنری و نرم‌افزاری در
یک جا گرد هم بیاورد
و تحت نظام حقوقی
واحدی مورد حمایت
قرار دهد احساس می‌شود